

Original Article

Philosophical and Legal Foundations of Childhood and Adolescence from the Perspective of Convention on the Rights of the Child

Afshin Jafari^{1*}, Heydar Esmaeelpoor²

1. (Ph.D) Assistant of Professor, Payame-Noor University, P.O.BOX: 19395-3697, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: jafariafshin@yahoo.com
2. Assistant of Professor, Payame-Noor University, P.O.BOX: 19395-3697, Tehran, Iran.

Received: 18 Apr 2018 Accepted: 3 Sep 2018

Abstract

Islam, as the most complete religion, has given a program of human life that can easily reach its perfection and prosperity, and that education is among the areas of human perfection and attention to these results has resulted in fruitful results in the field of human behavior. One of the characteristics of the subject of education is the stages of human life that are divided into childhood, childhood, adolescence, puberty and aging. The purpose of the present study is to study the philosophy of life-critical life of the childhood and adolescence and the role of child's education in achieving perfection in two areas of international law such as the Convention on the Rights of the Child and the religious teachings inherited from the Ahle-Beyt (AS). The results of the research show that the threefold relationship between parents, children and God is based on love and affection, and the lack of this Islamic dough on human personality is diminished. The customs and practices of familiarizing with religion and its implementation in the field of education and sexual issues are among those that have a certain rule and instruction in Islamic teachings. Islam is very sensitive to the education of children and has paid attention to their rights. So that in Islam, a child has rights both from birth and from pre-birth.

In recent decades, attention has been paid to children and adolescents at the international level and the Convention on the Rights of the Child, which is the most important document in support of this stratum, has been drafted and approved. Although the convention has strengths and disadvantages, it has, in its turn, been lacerated.

Keywords: Childhood and Adolescence; Philosophical Foundations; Legal Bases; Education; the Convention on the Rights of the Child

Please cite this article as: Jafari A, Esmaeelpoor H. Philosophical and Legal Foundations of Childhood and Adolescence from the Perspective of Convention on the Rights of the Child. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 125-138.*

مبانی فلسفی و حقوقی دوره کودکی و نوجوانی از منظر نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون حقوق کودک

افشین جعفری^{۱*}، حیدر اسماعیل‌پور^۲

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: jafariafshin@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۲

چکیده

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، برنامه‌ای برای زندگی به انسان داده که بتواند به سهولت مراتب کمال و سعادت خود را طی نماید که تعلیم و تربیت از جمله حوزه‌های دستیابی به کمال انسان است و توجه بدان نتایج ثمربخشی را در حوزه رفتار آدمی به دنبال دارد. یکی از ویژگی‌های موضوع تربیت، مراحل زندگی انسان است که به دوران نطفگی، کودکی، نوجوانی، بلوغ و پیری تقسیم می‌شود. هدف تحقیق حاضر بررسی فلسفه دوران حساس زندگی یا همان کودکی و نوجوانی و نقش تعلیم و تربیت کودک در دستیابی به کمال در دو حوزه قواعد بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک و آموزه‌های دینی که از اهل بیت (ع) به ارث رسیده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که ارتباط سه گانه والدین و فرزند و خداوند بر پایه محبت و عواطف شکل می‌گیرد و به میزان کاستی این خمیرمایه دین اسلام روی شخصیت آدمی به کاستی می‌گراید. آداب و رسوم آشنایی با دین و پیاده‌کردن آن در زمینه تربیتی و مسائل جنسی نیز از جمله مواردی است که قاعده و دستورالعمل مشخصی در تعلیمات اسلامی دارد. دین اسلام در تربیت کودکان بسیار حساس بوده و رعایت حقوق آن‌ها را مورد توجه قرار داده است، به طوری که در اسلام یک کودک نه از بدو تولد، بلکه از دوران قبل از تولد نیز دارای حق و حقوقی شده است.

در دهه‌های اخیر توجهات جدی در سطح بین‌المللی به قشر کودک و نوجوان شده است و کنوانسیون حقوق کودک که مهم‌ترین سند در حمایت از این قشر است، در این خصوص تهیه و تصویب شده است. با وجود این که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسنی برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است.

واژگان کلیدی: کودکی و نوجوانی؛ مبانی فلسفی؛ مبانی حقوقی؛ تعلیم و تربیت؛ کنوانسیون حقوق کودک

مقدمه

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه‌ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه‌جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می‌رود (۱). بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزه‌کار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را مشاهده کرده‌اند (۲). در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و بین‌المللی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

تعلیم و تربیت آدمی بر پایه ارزش‌ها و معارف الهی امری است که نتایج مفید یا همراه با مضراتی در زندگی آدمی به دنبال دارد. هر یک از دوران زندگی آدمی همراه با ویژگی‌هایی است که توجه بدان‌ها بر پایه دستورات اسلامی شکل‌دهنده ویژگی مخصوص وی است. همان‌گونه که می‌دانیم، بنا به بیان قرآن هر دین و آیینی دارای هویتی مجزا و مخصوص به خود است که عمل و رفتار بر پایه آن ویژگی‌ها تعیین‌کننده ادامه حیات آن بر عرصه نظام فرهنگ‌ها و افکار گوناگون است. از جمله مباحث مهم انسان‌شناسی در تعلیمات اسلامی دوران زندگی آدمی است. دو دوره مهم کودکی و نوجوانی از جمله مواردی است که ضمن تعلیمات اسلامی بدان توجه ویژه‌ای شده است. بنا به اعتقادات اسلامی و پیش‌فرض‌های موجود در دنیای اسلام نوعی پیوستگی و ارتباط بین دنیای مادی و اخروی آدمی وجود دارد. آدمی به گونه‌ای است که همواره تعادلی بین این دو دنیا دیده می‌شود. دنیای آدمی محدود و محصور به این جهان مادی نیست. بر پایه تعلیمات مبین اسلام آدمی تلاش می‌کند نهایت و غایت اعمال و فعالیت خود را در دنیای دیگر بیابد. بر این اساس دو حد افراط و تفریط در اندیشه آدمی جایگاهی ندارد. بنابراین انسان مسلمان به جنبه‌های دوگانه جسم و روح توجه ویژه‌ای دارد و در این‌باره تلاش می‌کند به پاسخگویی کامل به نیازهای دوگانه عرصه وجودی خود بپردازد، اما با توجه به تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم چالش‌های جدیدی فراروی نهاد خانواده و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نمایان گشته که این مهم خود باعث تلاش‌های

مضاعفی در دو بُعد تئوری و عملی جهت یافتن راه حل‌ها و پاسخ به مشکلات پیش‌آمده گردیده که در نهایت این تلاش‌های بین‌المللی منجر به تدوین معاهداتی همچون کنوانسیون حقوق کودک گردیده که این کنوانسیون در واقع زیرمجموعه‌ای از نهاد بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که در راستای ترویج، حمایت و اجرای حقوق بشر و بالاخص حقوق کودک شروع به فعالیت نموده و تقریباً گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته، هرچند که به عقیده برخی از محققین اسلامی، این تلاش‌ها در برخی موارد با حقوق بنیادینی که اسلام تعیین نموده، در تعارض می‌باشند. در اینجا ابتدا به معرفی چستی، چرایی و چگونگی دوران کودکی و نوجوانی و یا به تعبیری فلسفه حاکم بر این دو دوره مهم زندگی بشری (ارزش‌شناسی و هستی‌شناسی) می‌پردازیم و سپس به تبیین دلالت‌های آن در حوزه تعلیم و تربیت و کنوانسیون حقوق کودک می‌پردازیم:

ارزش‌شناسی دوره کودکی و نوجوانی

هستی انسان و معماری خلقت آن ایده‌ای است که زمان‌های زیادی فکر وی را مشغول نموده است. در راستای شکل‌گیری چنین تفکراتی هر آیین و دینی، مسیح، یهود و... با تلقی خاصی از انسان سعی در مطرح‌نمودن ویژگی انسانی و خصوصیات آدم در دوران مختلف کودکی، نوجوانی، جوانی و... بر پایه اعتقادات فکری خود نموده است. اسلام نیز ضمن توجه به اهمیت این دوران سعی در ترسیم شخصیت و هویتی متمایز برای آدمی کرده است. همان‌گونه که می‌دانیم نگاه فلسفی به انسان تأثیراتی گریزناپذیر را در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... آدمی به دنبال دارد. تعلیم و تربیت نیز از جمله حوزه‌هایی است که بذر و نهال شکل‌گیری این دوران در آدمی تعیین‌کننده مسیر خوبی و بدی و ضلالت و یا هدایت فرد را به دنبال دارد. بر این اساس ترسیم هویت و شخصیت کودکی و عمل بدان ضرورتی است که طبیعتاً تأثیراتی را در حوزه تعلیم و تربیت به دنبال دارد و باید مورد توجه متخصصان حوزه‌های گوناگون و از جمله تعلیم و تربیت و قانونگذاران قرار گیرد. خمیرمایه‌ها و بن‌مایه‌های حوزه‌های

و گروه خود و مسلمانان می‌دهد و به گونه‌ای به تبلیغ جهانی از انسان‌های مسلمان و تعداد آن‌ها می‌پردازد. مقام خلیفه الهی انسان و به تبع آن کودک و نوجوان اجازه نمی‌دهد که هر برخورد و رفتاری را با آن‌ها داشته باشیم. کودک و نوجوان روحی خدایی دارند و حق نداریم برخلاف دستورات خداوندی با وی رفتار نماییم.

هرگاه به امام سجاد (ع) مژده می‌دادند که دارای فرزند شده است، پیش از آنکه بپرسند پسر است یا دختر، می‌پرسیدند! آیا سالم است؟ و هنگامی که می‌فهمیدند سالم است، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي خَلْقًا مُشَوَّهًا؛ سپاس از آن خدایی است که از من آفریده‌ای ناسالم نیافریده است.» بنابراین حکمت وجود و هستی کودک و نوجوان بدون توجه به جنسیت خود امتیاز و حسنی است که اندیشه آدمی را به خود جلب می‌کند. همان‌گونه که در کلام امام سجاد هم مشاهده می‌کنیم، وی بر سلامت و موقعیت سلامت کودک تأکید نموده است.

نقش و ارزش محبت‌نمودن به کودک و نوجوان در تربیت دینی

محبت‌نمودن به انسان نیازی است که در مکاتب فکری گوناگون به شیوه‌های متفاوتی بدان پاسخ داده‌اند. اسلام نیز در این زمینه صاحب دیدگاهی است که توجه بدان نقشی ارزنده در تربیت فرد دارد. امام صادق (ع) در زمینه محبت‌کردن و خوشحال‌نمودن فرزند می‌فرمایند: هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند عز و جل برای او ثواب می‌نویسد و هر کسی که او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد و هر کس قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش دعوت می‌شوند و دو لباس بر آنان پوشیده می‌شود که از نور آن‌ها، چهره‌های بهشتیان نورانی می‌گردد.

یکپارچگی و نبود گسست و فاصله بین عناصر گوناگون شخصیت آدمی، طبیعت و خداوند، به وجودآورنده نگاهی نو و جدید به انسان و فعالیت‌های وی می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانیم دین اسلام به تعبیر پیامبر و منادی این دین، آیینی متوسط و متعادل در تمام زمینه‌ها بوده و از هر گونه افراط و

گوناگون و از جمله فلسفه به خوبی به بیان نواقص و محاسن این قلمرو حساس اشاره می‌کند.

پیدایش ریشه‌های خوبی و بدی در دوران کودکی واقعیتی است که اسلام ضمن گسترش آموزه‌های اساسی خود بدان اشاره داشته است. همچنین شکل‌گیری بنیان توحیدی و اعتقادات اسلامی در کودکی و سنین ابتدایی و برخوردنمودن با چنین واقعیتی مورد توجه اسلام بوده است. در این زمینه قرآن فرمان امامت را در زمان کودکی به پیامبران و پیشوایان دینی خود ارسال داشته است. حضرت مسیح می‌فرماید: «هیچ بزرگسالی به معراج نخواهد رفت، مگر آنکه به کودکی خویش بازگردد» (۳).

اهمیت وجود و هستی کودک و نوجوان

وجود اعتقادات محوری و اساسی هر دینی مشخص‌کننده ماهیت موضوعاتی است که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. توضیح بیشتر این‌که اعتقادات مربوط به دنیا و آخرت، خدا و... نگرش انسان به سایر امور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال در اسلام به دلیل اعتقاد به آخرت و رویکرد توحیدی، نگاه به مسأله وارث و ژنتیک به گونه‌ای متفاوت نمود پیدا می‌کند. پیامبر اکرم در ارتباط با اهمیت وارث کودک و نقش گذشته فرد در تربیت وی معتقدند: «بنگر فرزندان را در چه جایگاهی قرار می‌دهی» با خانواده‌های شایسته ازدواج کنید (۴). پیوستگی ارتباط صمیمانه کودک و نوجوان و والدین خود در اسلام و قرآن مورد توجه بوده است. هدف از این نوع توجه به هم‌بودن چیزی جز پیاده‌کردن صحیح اصول تربیت اسلامی در انسان‌های مسلمان نیست.

اهمیت کودک و فرزندآوری بنا به بینش و اعتقادات فکری افراد و مکاتب گوناگون به شیوه‌های مختلف تعبیر و تفسیر شده است. به طور کل وجود انسان و به تبع آن کودک و نوجوان اهمیت زیادی داشته است. سخن پیامبر اکرم تأییدی بر این نظریه است که کودک ارزش و جایگاهی ویژه در بینش اسلامی داشته است: «ازدواج کنید تا ازدیاد یابید، همانا من به وجود شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم، حتی به کودکی که سقط شده است» پیامبر با کلام خویش اهمیت زیادی بر قوم

مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَ وَقَّرَ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ؛ با کودکان خانواده‌ات مهربان باش و بزرگان خانواده‌ات را احترام گذار.»

محبت نیازی است که باید بدان پاسخ گفت و از ارزش آن در زندگی کودک و نوجوان غفلت نمود. امام صادق در زمینه محبت به فرزند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُرْحَمُ الرَّجُلَ لِيَشَدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ؛ خداوند به مردی که به فرزندش و کودکش محبت کند، رحم می‌کند» (۲۲). انسان بنا به موقعیت زمانی و دوره زندگی خود در کودکی نیازمند دریافت اساسی محبت است و آغوش مادر طبیعی‌ترین جایگاه رویاندن نهال امید و کمال می‌باشد. به تناسب سنین و گذشت زمان کودک به مرحله نوجوانی وارد می‌شود و خواستار محبت و عاطفه است. در اینجا راه سقوط و صعود و ضلالت و هدایت فرد بر اساس دریافت محبت دوره کودکی نشانگر اهمیت کسب محبت یا فقدان آن می‌باشد. نوجوانی که محبت خانواده را دریافت ننموده و در این زمینه به شیوه‌ای نادرست به دریافت آن اقدام نموده، مستعد دریافت آسیب‌های زیادی از محیط اطراف است. به عنوان نمونه یکی از زمینه‌های برخورد نوجوانی که دوره کودکی را طی کرده، برخورد با پدیده ارتباط با جنس مخالف است. کودکی که به خوبی خوراک محبت را از والدین خود در زمان کودکی دریافت کرده، در خود احساس کمبود و یا به تعبیری سوء تغذیه نمی‌نماید و در ارتباط با ناهمجنس رفتاری معقول دارد، اما نقطه مقابل آن نوجوانی است که بنا به موقعیت و شرایط خانوادگی محبت چندانی از پدر و مادر دریافت ننموده و در اینجا برای جبران عقده‌های روانی و به تعبیری خوراک محبت بنا بر نیاز خود به هر عملی، هرچند ناشایست در ارتباط با جنس مخالف دست می‌زند.

بنابراین توجه به محبت‌نمودن به کودکان و نوجوانان متناسب با موقعیت آن‌ها از جمله ضرورت‌هایی است که در صورت عدم توجه خسارات جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد. در نتیجه روی آوردن به فعالیت‌های فرعی به نسبت عملی اصلی یا همان دریافت محبت نکته‌ای است که باید مورد توجه والدین و مسئولان تعلیم و تربیت قرار گیرد. پیامبر اکرم بر محبت به انسان مخصوصاً سنین کودکی تأکید فراوانی داشته‌اند. ایشان در این زمینه بیان می‌دارند: «أَجْبُوا الصَّبِيَانَ و

تفریط به دور است. به گونه‌ای که پیامبر در این زمینه اشاره می‌کند «خیر الامور اوسطی‌ها؛ بهترین امور و کارها حد متوسط آن‌هاست.» این سخن پیامبر اکرم الهام‌بخش این مفهوم است که اسلام افراط و تفریط در هیچ امری را به بهانه نادیده گرفتن جنبه‌های دیگر نمی‌پذیرد. سرزنش پیامبر در مورد فردی که به عبادت می‌پرداخت و از وضع اقتصادی خانواده غفلت کرده بود، نشان‌دهنده نگاه جامع اسلام به انسان است (۵).

با این توضیحات به نظر می‌رسد در نظام تعلیم و تربیت و پرورش کودک و نوجوان نیز باید به این مسأله توجه نمود که افراط و تفریط خسران زیادی را به وجود می‌آورد؛ توضیح آن‌که مدرسه و سیستم آموزشی به صورت محیطی صرفاً آموزش و تدریس بر جنبه‌های شناختی است و جنبه مهم وی که اسلام نیز به آن اهمیت زیادی می‌دهد، یعنی همان عواطف، احساس و هیجانات آدمی فراموش شده است. در صورتی که به تعبیر بزرگان دین اسلام، دین چیزی غیر از محبت نیست. پیامبر اکرم می‌فرمایند: «أَجْبُوا الصَّبِيَانَ و اِرْحَمُوهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید.»

همان‌گونه که می‌دانیم، بنا بر گسترش دامنه فعالیت آدمی دوران کنونی در زمینه‌های گوناگون، تربیت آدمی همواره همراه با مشکلاتی توأم شده است. از جمله این موارد می‌توان به روی آوردن مرد و زن به کار و فعالیت اقتصادی است. به دلیل کار و شغل مرد و زن و تغییر الگوهای زندگی شاهد گسترش مهدهای کودک و ورود کودک و بچه‌ها به این سرزمین غریب هستیم. محیطی که بهانه‌های مختلف کودک از آغوش گرم و صمیمی مادر مهربان جدا می‌شود و بهترین دوران آفرینش و نیاز به محبت را در محیط ناآشنای مهد کودک طی می‌نماید. الگوی اسلام برای دریافت چنین محبتی چیست؟ نقش والدین و مخصوصاً مادر در این زمینه چه باید باشد؟

بنابراین می‌بینیم که نیازمندی و اساس فعالیت فرد مسلمان و مؤمن در محبت است و محبت است که حرکات موج‌آفرین و طنین‌آهنگ‌تغییر، پویایی و حرکت را در فرد به وجود می‌آورد. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «إِرْحَم

ارحموهم؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید.» محبت‌نمودن و پیوند علقه پدر، مادر و فرزند و لزوم توجه به بنیان اساسی خانواده از نظر اسلام ضرورتی است که پایه‌های اساسی مربوط به شناخت و توجه کافی به انسان را مطرح نموده است (۶).

۱- حقوق و ارزش کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام

بنا بر جهان‌بینی دینی و نگرش اسلامی شخصیت آدمی دوران گوناگون کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، پیری و... را دارد (۷). در دین اسلام اهمیت زیادی به وجود و هستی کودک شده است. در اسلام و بر مبنای رویکرد دینی فرزند از والاترین و ارزشمندترین جایگاه و مقام برخوردار است و فرزندآوری از خطیرترین مسؤولیت‌ها و رسالت‌هاست. در جهان‌بینی الهی فرزند به مثابه امانت هدیه‌ای است که از ساحت لطف و کرم خداوندی به والدین داده می‌شود: «فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین از آن خداست، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد یا آن‌ها را پسر(ان) و دختر(انی) توأم با یکدیگر می‌گرداند و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد، اوست دانای توانا» (۸). به نظر می‌رسد اندیشه اصلاح جامعه و ترسیم چشم‌انداز پیشرفت و تعالی آدمی تنها محدود به تفکر و تصور کلی وی از اجتماع نمی‌باشد، بلکه برای تربیت آدمی عناصر فردی و تربیت آن‌ها باید همواره مورد توجه دست‌اندرکاران برنامه‌های حوزه‌های گوناگون تفکر بشری قرار گیرد. فرزند و تربیت وی از همان عناصری است که باید سعی و فوری را صرف تربیت و محافظت آن از خطرات فکری و فرهنگی نمود. دوره کودکی و نوجوانی از جمله دورانی است که زمان شکل‌گرفتن پایه‌های ایده‌آل شخصیتی و فکری آنان می‌باشد. بر پایه ارزش فرزندآوری و به تبع آن تربیت دو دوره مهم کودکی و نوجوانی است که شیوه خواهرش و تمنای والدین در مورد درخواست این چنینی از زبان قرآن و کلام خداوندی بیان شده است: «و کسانی که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان» (۲۴).

بنا بر تأکید متون دینی، پیامبر و امامان اسلام، تربیت فرزند نقشی اساسی در عاقبت و سرنوشت والدین ایفا می‌کند. بنا بر اهمیت این دوران است که در مکتب اسلام نوعی پیوستگی و ارتباط منسجم و هماهنگی بین روابط خداوند، والدین و فرزند دیده می‌شود. دوره کودکی و نوجوانی نقطه امید و زمان رفع و دفع نقاط ضعفی است که والدین در طی دوران زندگی به تجربه آن مبادرت ورزیده‌اند. بر پایه تعلیمات دین، کودک و نوجوان ادامه‌دهنده و میراث‌دار فرهنگ اسلامی است که توسط والدین بدان دست یافته‌اند.

در مورد حقوق کودک در قرآن تقسیم‌بندی‌های زیادی ارائه شده است و انواع مختلفی مانند حقوق زیستی، عاطفی، تربیتی، اخلاقی، روانی، اجتماعی، معنوی، مالی و... آمده است (۹)، اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد.

۲- کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک، اصلی‌ترین منبع بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان است. این کنوانسیون، کامل‌ترین سند مربوط به حقوق کودکان است که تاکنون تدوین شده و اولین سندی است که این حقوق را در عرصه بین‌المللی به صورتی لازم‌الاجرا مطرح کرده است. بیشتر کشورهای جهان به آن ملحق شده‌اند. ایران نیز به موجب ماده واحده الحاق اجازه دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است. این کنوانسیون در ۵۴ ماده در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آرا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تصویب قرار گرفته و در سپتامبر ۱۹۹۰، یک ماه پس از آنکه بیست کشور کنوانسیون را مورد تصویب قرار داده و به آن ملحق شدند، لازم‌الاجرا گردید. در اجرای ماده ۴۳ آن جهت حصول اطمینان از اجرای کنوانسیون مذکور، کمیته‌ای با عنوان «کمیته حقوق کودکان»، متشکل از ۱۰ نفر از متخصصین صلاحیت‌دار از ۵ قاره جهان در سازمان ملل متحد تشکیل شده است. کمیته مزبور به عنوان نهاد ناظر کمیسیون محسوب می‌گردد که وظیفه بحث و گفتگو میان کشورهای عضو در جهت ارتقای حقوق کودک را به عهده دارد. دو پروتکل الحاقی این کنوانسیون شامل: به کارگیری کودکان در

قوانین دیگر نیز ۱۸ سالگی به عنوان معیاری که شخص توانایی پذیرش مسؤولیت خود را دارا می‌شود، بیان شده است. به عبارت دیگر، ۱۸ سالگی سنی است که بعد از آن نمی‌توان به دلیل فقدان اراده و اختیار فرض مسؤولیت را در مورد اشخاص نادیده گرفت. علاوه بر معیار سن برای تشخیص کودک از بزرگسال، معیار دیگری وجود دارد که از آن به بلوغ یاد می‌شود و بیشتر در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازمان کنفرانس اسلامی در ژوئن سال ۲۰۰۵ در صناعی یمن میثاق حقوق کودک در اسلام را تصویب کرد که در ماده یک خود، کودک را چنین تعریف می‌کند «کودک هر انسانی است که بر اساس قانون قابل اعمال در مورد وی به سن بلوغ نرسیده باشد.» در حقوق ایران، با توجه به ماهیت اسلامی بودن قوانین و تأثیر مستقیم فقه امامیه در آن، قانونگذار در تبیین مفهوم کودک و سن بلوغ به نظر فقهای امامیه گرایش داشته و در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن کودک را سن بلوغ دانسته است که در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. همچنین در بخش چهارم از فصل دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب موانع مسؤولیت کیفری، در ماده ۱۴۷ حکم تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م.د. درباره سن بلوغ را مورد تأکید قرار داده است (۱۱).

۲-۲- تربیت کودکان در کنوانسیون بین‌المللی حقوق

کودک و نظام حقوقی ایران: هرچند که در اسناد بین‌المللی به مسأله حق والدین بر تربیت کودک به صورت مجزا پرداخته نشده است، اما در اسنادی که به تربیت کودک توجه داشته‌اند، والدین مسؤول اصلی در تربیت کودک معرفی شده‌اند. در کلیه اسناد مورد نظر، ابتدا اموری مانند حق بر مراقبت برای کودکان (بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ م.) و حمایت از کودکان در مواقع اضطرابی و منازعات مسلحانه و جنگ (مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۹ م.) مطرح شده است و سپس به جایگاه والدین توجه شده و مسؤولیت ایشان موضوع قوانین قرار گرفته است. بر اساس بند ۱ ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «والدین یا قیم قانونی، مسؤولیت اصلی برای رشد و پیشرفت کودک را بر عهده دارند

درگیری‌های مسلحانه و نیز فروش، فحشا و بهره‌برداری جنسی از کودکان است که هر دو، مصوب ۲۵ می، سال ۲۰۰۰ طبق قطع‌نامه مجمع عمومی می‌باشد این کنوانسیون مشتمل بر ۵۴ ماده و تا آگوست سال ۲۰۱۱، ۱۹۴ کشور عضو این کنوانسیون گردیده‌اند. مفاد این کنوانسیون را در یک تقسیم‌بندی کلی به شش گروه کلی می‌توان تقسیم کرد:

- موادی که به مسائل کلی تعریف کودک، اصل عدم تبعیض و اصل مصلحت‌محوری در حقوق کودک می‌پردازد.
- موادی که حقوق مدنی و سیاسی کودک را دربر دارد.
- موادی که به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودک می‌پردازد.

- موادی که به امور خاص کودکان، مانند نقش و جایگاه والدین در ارتباط با کودکان اختصاص داده شده و در مواد ۴۱-۱ کنوانسیون، مقرر شده است.

- بخش دوم کنوانسیون که به طور عمده به مسائل مربوط به کمیته حقوق کودک نظر کرده است.

- و سرانجام، بخش سوم که بخش پایانی این کنوانسیون است، موادی را به مسائل اداری مربوط به کنوانسیون همچون، الحاق و امضا و اصلاح این سند بین‌المللی حقوق بشری اختصاص داده است (۱۰).

۱-۲- مفهوم کودک با توجه به معیار سن در کنوانسیون

حقوق کودک و نظام حقوقی ایران: کنوانسیون، سن بلوغ و رشد را تفکیک نکرده و ۱۸ سالگی را سنی می‌داند که شخص در آن اهلیت استیفای کلیه حقوق خود را دارا می‌شود، هرچند در اکثر ترجمه‌های موجود واژه «Majority» به کاررفته در ماده ۱ به معنای بلوغ است، اما باید گفت مبانی کشورهای غیر اسلامی و به ویژه کنوانسیون بر اساس مفهوم رشد پایه‌ریزی شده و بلوغ در تعریف کودک جایگاهی ندارد و ترجمه «Majority» به سن قانونی صحیح‌تر به نظر می‌رسد. همچنین از قید «مگر آنکه» در ماده مذکور درمی‌یابیم که کشورهای عضو می‌توانند سن خاصی را در تعریف کودک و نیز اجرای قانون قابل اعمال بر وی، به رسمیت بشناسند. بنابراین دول عضو می‌توانند سن دیگری مثل ۱۵ سالگی را مبنای سن قانونی کودک در قلمرو سرزمینی خود تعیین نمایند، در

۳-۳-۱- احترام به حقوق کودک بر اساس اسناد بین‌المللی

حقوق بشر غیر قابل انکار است. به عبارت دیگر این حقوق را می‌توان از حقوق ذاتی هر انسانی دانست. بر این اساس، شایسته است این حقوق در تمام محیط‌های یادگیری مورد احترام قرار گیرند. حقوق تعلیم و تربیت باید به عنوان ترکیبی از احترام به هویت کودکان، حق آن‌ها در بیان دیدگاه‌های خود در تمام امور مربوط به خودشان و تمامیت فیزیکی و موارد شخصیشان مورد توجه قرار گیرد. این حقوق عبارت‌اند از:

۱-۳-۳-۱- **احترام به هویت:** علاوه بر این، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک بر حق کودکان برای لذت‌بردن از فرهنگ خود، رفتار طبق اصول مذهب خود و استفاده از زبان خود صحه می‌گذارد. همچنین بر لزوم احترام به والدین و حفظ آزادی آن‌ها برای تعیین نوع آموزش و پرورش کودکانشان تأکید می‌کند. دولت‌ها حق دارند که اگر قرار است مذهب خاصی در مدارس آموزش داده شود، آن‌ها تعیین‌کننده باشند (۱۴).

۲-۳-۳-۲- **احترام به حقوق مشارکت:** ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک این موضوع را مطرح می‌کند که کودکان این حق را دارند که به بیان دیدگاه‌های خود در تمام مسائل مربوط به خودشان بپردازند و آن‌ها با توجه به سن خود و میزان بلوغشان از این حق برخوردار می‌شوند. کنوانسیون حقوق کودک اغلب توصیه می‌کند که دولت‌ها تلاش بیشتری داشته باشند که کودکان را هر چه بیشتر در امور مدرسه دخالت دهند.

۳-۳-۳-۳- **احترام به تمامیت:** این کنوانسیون خواهان این مسأله است که نه تنها بچه‌ها از تمام اشکال خشونت محافظت شوند، بلکه نظم و انضباط مدرسه به شیوه‌ای برقرار شود که سازگار با حفظ کرامت کودک است. با این حال، خشونت مکرر و شدید، شامل سوء استفاده عاطفی و تحقیر در مدرسه، همچنان به صورت گسترده‌ای در کشورهای جهان دیده می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک همواره استدلال می‌کند که چنین تنبیهاتی نقض حقوق کودک و محرومیت کودکان از حقوق مربوط به تمامیتشان است. خشونت زیادی از جانب کودکان نسبت به کودکان دیگر و همچنین کودکان علیه معلمانشان وجود دارد که این مباحث هم به همان اندازه مهم

و اساسی‌ترین مسأله آن‌ها منافع عالی‌ه کودک است» کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ مسؤولیت اصلی والدین در تربیت کودکان را به صراحت بیان کرده است. در بند ۳ ماده ۲۶ این کنوانسیون آمده است: «حق تقدم در انتخاب نوع آموزش فرزندان با والدین است» مرور قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد، در این اسناد تبیین و ذکر جزئیات حق والدین صورت نگرفته و برای مثال حدود قانونی این حق، انواع تعارض‌ها در اجرای آن و یا ضمانت‌های اجرایی این حق مطرح نشده است. قانونگذار در قوانین داخلی ایران نیز حق والدین بر تربیت کودک را لحاظ کرده است. قانون مدنی ایران باب دوم از کتاب هشتم را به مبحث «نگهداری و تربیت اطفال» اختصاص داده و در مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ مستقیم به بحث تربیت اولاد و وظیفه والدین در این خصوص پرداخته است. در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مقرر شده است که «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.» همچنین در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است که ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند». این دو ماده تنها مواد قانون مدنی هستند که عنوان «تربیت» در آن‌ها لحاظ شده است، با وجود این که تربیت کودک اهمیت خاصی دارد و لازم است حدود آن مشخص باشد، در قانون مدنی تنها به یک تعریف کلی بسنده شده و شرایط و ضوابط آن مشخص نشده است (۱۲). توجه به مفاد ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مسلم است که تربیت باید بر حسب مکان و زمان به نحوی باشد که کودک مهمل نماند. در این قانون تکلیف ابوین محدود به توانایی مالی و فکری آنان است. در «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱ حفظ سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی کودک و حق او بر آموزش از مؤلفه‌های تربیت به شمار می‌آید، بر این اساس از این حق به صراحت حمایت شده است. همچنین حسب مواد ۲ و ۴ این قانون برای متخلف از این حقوق ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است. (۱۳).

است و لازم است که چنین رفتارهایی به چالش کشیده شوند (۱۰).

۳-۴- مشابهت‌های تربیت کودک در اسلام و کنوانسیون

حقوق کودک: به لحاظ تاریخی، تحولات اقتصادی و اجتماعی قرون نوزدهم و بیستم و وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و رشد فرآیند صنعتی‌شدن و شهرنشینی، تغییرات اساسی درباره کودک، جایگاه و تکالیف او در جامعه به وجود آورد.

ورود زنان و کودکان به بازار کار بنا به ضرورت اولیه صنعتی‌شدن و سرمایه‌داری و تغییرات اساسی در ساختار و کارکردها و مناسبات خانوادگی، فرآیند استثمار زنان و کودکان را شدت بخشید. از طرف دیگر، ابعاد منفی تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و استعمار و پیدایش جنگ‌های جهانی اول و دوم، آوارگی و مهاجرت‌های گسترده و گسترش ابعاد جهانی فقر، بهره‌کشی و نابرابری را به همراه داشت که بر وخامت اوضاع کودکان، به ویژه در جوامع در حال توسعه، افزود (۱۶).

نظر به این‌که کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب می‌باشد، نیازمند است و با توجه به این‌که نیاز به چنین مراقبت و حمایت خاص در اعلامیه ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ نیز آمده است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مرام‌نامه‌های بنیادهای تخصصی سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است، لذا مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی بوده و از حقوق و آزادی‌هایی به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود، رسماً به آگاهی عموم مردم جهان اعلام نمود و از پدران و مادران و زنان و مردان به عنوان افراد جامعه، سازمان‌های مردم‌نهاد، مقامات محلی و دولت‌ها خواست تا این حقوق را به رسمیت شناخته و در جهت رعایت این حقوق از طریق قوانین و سایر تمهیداتی که به تدریج با توجه به اصول این اعلامیه تدبیر می‌گردند، اهتمام ورزند.

به طور کلی اعلامیه جهانی حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک گامی مثبت در توجه به کودک و نیازمندی‌های وی برداشته است، این معاهده مشتمل بر نکات ارزشمندی از جهت تربیتی است که برخی مستقیماً تعلیم و تربیت کودک را مد نظر قرار داده، برخی موانع تربیت را گوشزد نموده و بعضی دیگر بهداشت روانی کودک را به عنوان مقدمه ضروری و زمینه‌ساز تربیت مورد تأکید قرار داده است (۱۷).

البته همانطور که در مباحث قبل اشاره شد، همین آموزه‌ها در دین مبین اسلام که به عنوان یک مکتب تربیتی دغدغه پرورش و هدایت انسان‌ها را سر لوحه تعالیم خود قرار داده، در چارچوبی جامع‌تر پرداخته شده است.

هر برنامه‌ریزی تربیتی مستلزم شناخت جامع از ابعاد و ساحت انسان و پیچیدگی‌های تودرتوی آن می‌باشد که این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود، چون هیچ کس به قدر خالق آدم، به تمام زوایای وجودی انسان شناخت و معرفت ندارد. به همین جهت صورت‌بندی‌ها و تدوین‌های فارغ از جهان وحی ناقص و نارسا خواهد بود. بنابراین احتمال کاستی‌ها و تعارضاتی در مجموعه کنوانسیون حقوق کودک اجتناب‌ناپذیر است، لذا این اسناد بین‌المللی با وجود منافعی که در آن پیش‌بینی شده است، کاستی‌هایی نیز دارد. یکی از این کاستی‌ها، تفاوت در هدف است (۱۸).

بهره‌گیری از زبان وحی در شناخت هدف زندگی انسان، چشم‌اندازی وسیع‌تر از آنچه در پندار ماست، پیش روی ما می‌نهد، زیرا شناخت ویژگی‌های انسان، چنانکه باید در توان خالق یکتاست. از نظر قرآن، انسانی سعادت‌مند است که خدا را عبادت کند (۱۹) و به او نزدیک شود، یعنی تمام جلوه‌ها، قوای فکری و استعدادهای نهفته انسان در بهره‌گیری از دنیا باید یک هدف را مدنظر قرار دهند و آن خداست. پس هدف زندگی از دیدگاه آموزه‌های اسلام، عبودیت و در نهایت قرب الی‌الله است.

اهداف تربیتی اسلام در خصوص انواع ارتباطات انسان که شامل ارتباط با خود، خداوند، با دیگران و طبیعت می‌باشد، به صورت اهداف غایی و واسطه‌ای ترسیم شده و نقطه مشترک همه آن‌ها که در غایت تمامی مساعی و کوشش‌های فکری،

عاطفی و رفتاری انسان ظهور دارد، همانا خداوند متعال می‌باشد (۲۰).

بنابراین در تربیت کودک و ترسیم مسیر زندگی وی نیز بر مبنای تعالیم همه ادیان الهی به ویژه اسلام این هدف و غایت باید مد نظر قرار گیرد، اما در قسمت‌های مختلف کنوانسیون این هدف مورد غفلت قرار گرفته و حتی در برخی مواد مغایر با این هدف دینی است.

«کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک» واژه کودک را به شرح ذیل تعریف نموده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد زیر سن ۱۸ سال است، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود»، لذا مقصود از حقوق کودکان، ناظر به آن دسته از افرادی است که از حیث قانونی سن آن‌ها زیر ۱۸ سال باشد. یکی دیگر از کاستی‌ها، تأکید بر استقلال کودک در برخی مواد کنوانسیون است، حتی اگر مستلزم جدایی و دوری از پدر و مادر گردد؛ آیا این جدایی از مصادیق حمایت کودک و در راستای وصول وی به سعادت و خوشبختی است؟ مطابق مبانی روان‌شناختی (الگوی دلبستگی و ایمنی‌بخش) و آموزه‌های اسلام به ویژه در سنین پایین‌تر از دوازده سیزده سال پاسخ منفی است و جز در موارد استثنایی مانند جنگ، اعتیاد، عدم صلاحیت اخلاقی والدین و... این اعطای استقلال تأمین‌کننده مصالح کودک نیست. در موارد استثنایی نیز باید حتی‌الامکان در کنار جانشین قانونی یا شرعی باشد تا از جهت عقلی به سن رشد و تمییز برسد و بتواند با وجود استقلال، مصالح خود را تشخیص دهد.

محدود کردن نظارت بر کودک نیز از جمله ابهامات موجود در این کنوانسیون می‌باشد، چراکه نقش اساسی نظارت و کنترل والدین در کنوانسیون مورد غفلت قرار گرفته است، مواد متعددی در این معاهده وجود دارد که تلویحاً آزادی مطلق (بدون محدودیت سنی یا در قلمرو خاص) را برای کودک تجویز می‌کند و یا هرگونه دخالت، نظارت و مراقبت در امور کودکان را منع می‌نماید. به عنوان نمونه طبق ماده (۱) ۱۳، «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید

از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.» بنابراین اگر کودک ۱۱ ساله‌ای بر اساس این حق آزادی، به اطلاعات کاملاً مغایر با اعتقادات خود - متناسب با همان دوره سنی - دست یافت و هیچ‌گونه نظارت و مراقبتی هم بر وی نباشد، بلکه ممنوع هم گردد (بر اساس ماده ۱۶، بند ۱ و ۲)، آیا این امر موجب آشفتگی فکری و روانی وی نمی‌شود؟! به ویژه آنکه هنوز در مرحله هوش شهودی و عملیات منطقی عینی است، همان‌گونه که روانشناس معروف «پیازه» می‌گوید: به جهت فقدان تفکر انتزاعی در این مرحله، امکان تجزیه و تحلیل آن‌ها برایش نمی‌باشد و سعه صدر و تحمل تناقض‌ها نیز برای او میسر نیست (۲۱).

یکی دیگر از ایرادات وارد بر این کنوانسیون، نادیده‌انگاشتن تفاوت زن و مرد است. ویژگی‌های مربوط به جنسیت فرد از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتی است که به مراتب بیش از سایر خصوصیات، در رفتار، گفتار و تمامی مظاهر زندگی تأثیر می‌گذارد. درک کودک از این‌که پسر است یا دختر، در رفتارهای الگوی هر یک از دو جنس، عاملی تعیین‌کننده محسوب می‌شود. همچنین پی‌بردن به تفاوت‌های جنسی، درک انتظارات متفاوت دین و جامعه از هر کدام و کشف عوامل گوناگون که موجب طبقه‌بندی نقش جنسی می‌شود، همه در راستای تبیین چنین خصیصه شخصیتی است؛ بدین جهت مباحثی نظیر «تفاوت‌های جنسی بین زن و مرد» و یا «روانشناسی افتراقی مرد و زن» به تفسیر این پدیده می‌پردازد (۲۲).

با توجه به تأثیر خطیر و فراگیر نقش «جنسی»، اهمیت آن در تعلیم و تربیت نیز روشن می‌گردد، اما این تفاوت جنسی در کنوانسیون نادیده انگاشته شده است. به عنوان نمونه در ماده (د) ۲۹ چنین آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد... آماده‌نمودن کودک برای داشتن زندگی مسؤولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های بومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر» (۲۳).

نتیجه‌گیری

به‌روزی یا سیه‌روزی هر یک از انسان‌ها در گرو «تربیت» است و این مهم به عواملی همچون ساختار فرهنگی خانواده، محیط آموزشی، محیط زندگی، محیط کار، حاکمیت سیاسی کشور و کم و کیف تعلیمات بستگی دارد. این عوامل با یکدیگر ارتباط طولی و تکمیلی دارند و در عین حال می‌توانند همدیگر را خنثی یا تخریب کنند، به هر جهت همه این عوامل به نوعی در قبال انسان و تعلیم و تربیت او مسؤولند و در این میان دوران کودکی و نوجوانی، دورانی بسیار مهم هستند. بررسی چیستی، چرایی و چگونگی پدیده‌های نظام هستی و یا همان فلسفه حاکم بر نظام هستی از جمله مواردی است که تمامی سرنوشت موجود انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله تأثیرات فلسفی نظام‌های فکری و اندیشه بشری به وجود آمدن و تولید محصولات فکری در جهان واقعی است. به نظر می‌رسد حوادث پیرامونی جهان و نظام هستی به خوبی تبیین‌گر فلسفه حاکم بر اندیشه بشری است. در میان مکاتب فکری و صاحب فرهنگ و آموزه‌های جاویدان می‌توان به اسلام اشاره کرد. دین اسلام توانسته با بیان آموزه‌های خود در تمامی زمینه‌ها به خوبی مروج آیینی متوسط و متعادل بنا بر شعار دیرین این آیین شود. اسلام در تمامی رشته‌ها و حوزه‌های معرفت بشری از جمله تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، سیاست و مواردی از این قبیل صاحب ایده و آموزه کاربردی است. آدمی صاحب سبک، بیان و ایده‌هایی است.

به نظر می‌رسد تعلیم و تربیت و اخلاق آدمی از جمله زمینه‌های مهمی است که انسان در پرتو آن تحولاتی اساسی را در زندگی ایجاد کرده است، چنانکه پیامبر اکرم (ص) هدف از آمدن خود و انجام رسالت بزرگ خود را انجام و اتمام اخلاق دانسته است: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ برانگیخته شدم تا خوبی‌های اخلاق را کامل نمایم.» بر این اساس تعلیم و تربیت رسالتی سترگ در فرایند فعالیت‌های آدمی است. همان‌گونه که می‌دانیم تعلیم و تربیت دارای عناصر گوناگونی از قبیل معلم، دانش‌آموز، هدف و... است. در جریان تعلیم و تربیت انسان هم به عنوان معلم و هم در نقش دانش‌آموز نقشی بارز و اساسی دارد. همان‌گونه که می‌دانیم انسان دوران

مختلفی از زندگی خود را در این کانون هستی سپری می‌نماید. از دیدگاه اسلام دوره کودکی و نوجوانی از جمله مهم‌ترین دورانی است که آدمی که طی آن به ایجاد زمینه‌های پی‌بردن به کیستی و چیستی خود می‌پردازد، زمینه‌های آشنایی با ارزش‌ها و معارف دینی و اخلاقی را در خود ایجاد می‌نماید و به کسب دانش بنیادین و اساسی می‌پردازد که ریشه‌ها و زمینه‌های مهم و اساسی آن به گونه‌ای در آدمی شکل می‌گیرد که مسیر زندگی آدمی را به سمت کمال و یا ضلالت می‌برد. به تعبیر امامان و بزرگان دین تربیت دوره کودکی به گونه‌ای همانند حک شدن نقش بر سنگ است. بنابراین تعلیم و تربیت کودک باید به گونه‌ای در کودک شکل گیرد که زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت و هویت دینی، فکری و فرهنگی در فرد به وجود آید.

دوره نوجوانی نیز مرحله بین کودکی و بلوغ آدمی است که دوران طوفان و فشار نام نهاده شده و آدمی در این دوران آکنده از انرژی است که بنا به آموزه‌های دینی و رعایت حد تعادل آن به وجودآورنده شخصیتی سالم است. همان‌گونه که از پیوستگی دوران زندگی آدمی گفته شد، تربیت هر دوره ثمره و نتیجه دریافت و آموختن دانش کلی از نسل قبل و همچنین زمینه‌ساز تربیت دوران بعدی زندگی است. اسلام نگاهی ویژه به انسان مسلمان دارد و وجود کودک و نوجوان با هر گونه ویژگی و صفتی برای وی پذیرفتنی است. همان‌گونه که ملاحظه شد، اسلام برای جنین سقط‌شده نیز ارزش و احترامی در نظر دارد، پس هستی و ارزش وجودی نفس وجود آدمی فارغ از هر گونه ملاک و معیاری نکته‌ای است که از آموزه‌های اسلام استنباط می‌شود. در مکتب اسلام کودک و نوجوان فقیر و ضعیف، سیاه و سفید و... هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند و تنها ملاک برتری انسان در اسلام قرب و نزدیکی به خداوند و رعایت تقوی است.

علاوه بر بُعد هستی‌شناسانه فلسفی، به نظر می‌رسد ارزش‌ها، اخلاق و اصول مهم دینی در زمینه هنجارها نیز نکته‌ای است که در تربیت کودک و نوجوان باید مورد توجه قرار گیرد. اسلام دین ارزش‌هاست. نهایت چیستی، چگونگی و چرایی ارزش‌ها نزدیک‌شدن به ملاک حضور خداوند و میزان

پایبندی اعتقادی به حضور او در زندگی است. محبت از جمله زمینه‌هایی است که آدمی با توسل جستن به آن به برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و نیز در نهایت ارتباط با خالق خویشتن می‌پردازد. به نظر می‌رسد پیوند کودک و نوجوان به والدین در درجه دوم از نوع ارتباط انسانی بعد از خداوند قرار دارد. انسان به وسیله ایجاد چنین پیوندی زمینه‌های شکوفایی استعداد و توان خود در زمینه‌های مورد علاقه و توان می‌پردازد. بدین‌وسیله با دریافت محبت خانوادگی از والدین به امنیت، دوری از مشکلات روانی، افسردگی، اضطراب و... دست می‌یابد. همچنین بدین‌وسیله با شوق وافر در راه سعادت و کسب معرفت خداوندی تلاش می‌نماید و بهترین لحظات خود را سپری نماید.

رعایت مجموعه‌ای از آداب و دستورات متعارف دینی نیز با ایمان به خداوند و کسب معرفت وی در سایه تلاش و تحمل سختی‌ها برای انسان دست‌یافتنی است. در هر دین لزوماً پاره‌ای دستورات لازم و واجب برای تعالی آدمی و دسترسی وی به نقاط ایده‌آل وجود دارد. واجب، مکروه، مباح و مستحب از جمله آداب و قوانینی است که در اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است. کودک و نوجوان جهت دستیابی به موفقیت باید به این امور پایبند باشد. در این صورت قادر خواهد بود تأثیراتش را در زندگی خود ملاحظه نماید. از جمله این آداب دینی می‌توان به نمازخواندن اشاره کرد که تأثیرات تربیتی فراوانی در زندگی آدمی به دنبال دارد. شواهد تاریخی و نمازهای شبانه الگوهای دینی ما نیز شاهدهی بر اهمیت و ارزش این فریضه است که باید توجه کافی بدان نمود. توضیح پیرامون ذات و چگونگی آیین و آداب دینی بدین‌گونه است که در اسلام تمام موارد مذکور مستحب، واجب، مکروه و مباح دارای ظاهر و باطنی است که رعایت هر دو جنبه ظاهر و باطن باید در تربیت اسلامی مورد توجه قرار گیرد. گاهی در نگاه اول پایبندی یکی از دو امر ظاهر و باطن، ذهن آدمی را به خود جلب می‌کند و پایبندی به یکی را ملاک رفتار درست و شایسته خود می‌داند، در صورتی که در اسلام و قرآن بر هر دو جنبه جهت دستیابی به توفیق درگاه حق تأکید شده است. بنابراین ملاک آداب و قواعد دینی برای کودک مسلمان هر دو

جنبه ظاهر و باطن است که پیامدهای شایسته توجهی را در زندگی آدمی به دنبال دارد.

در هیچ دین و مسلکی به این اندازه به تربیت کودکان توجه نشده است که این امر نشان می‌دهد که ما مسلمانان باید بسیار بیشتر در تربیت کودکان حساس باشیم و رعایت حقوق آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم، به طوری که در اسلام یک کودک نه از بدو تولد، بلکه از دوران قبل از تولد نیز دارای حق و حقوقی شده است.

در دهه‌های اخیر توجهات جدی به قشر کودک و نوجوان شده است و کنوانسیون حقوق کودک که مهم‌ترین سند در حمایت از این قشر است، در این خصوص تهیه و تصویب شده است، البته ما در شرع مقدس اسلام قبل از این‌که اینچنین کنوانسیون‌هایی در مورد کودکان و اطفال ایجاد شود، قوانین و مقررات خوبی در حمایت از اطفال داشته‌ایم.

در ارزیابی کلی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک باید گفت که اصول ذکرشده در این کنوانسیون، مبین نیازمندی‌های اساسی و بنیادین کودکان و نیز تکالیف خانواده، جامعه و دولت در اجابت نیازهای آنان بوده و متضمن تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان است. با وجود این‌که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است، از جمله، عدم وجود نوآوری و ابتکار در برخی مواد، عدم تعریف اطفال بزه‌کار، عدم توجه به برخی از اصول مترقی جهان، وجود «حق تحفظ» برای کشورها و ابهام و اجمال در برخی از موارد. همچنین کنوانسیون مذکور در برخی موضوعات دارای خلأ می‌باشد، از جمله، توارث فرزند از والدین، حقوق سیاسی کودک، حقوق مربوط به ورزش، ازدواج کودک، کودکان نامشروع از افراد نابالغ، حقوق والدین نسبت به کودک، اهلیت فعالیت‌های اقتصادی و انجام معاملات، مسؤولیت کیفری و مدنی در برابر اعمال خود و... حال با این همه نواقص و کاستی‌هایی که کنوانسیون یاد شده دارد، از لحاظ تدوین مقرراتی جامع درباره حقوق کودکان، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کودکان برآورده است و اکثر کشورها پس از تصویب کنوانسیون، در کشور خود، به تدریج قوانین و مقررات خود را اصلاح کرده یا تغییر داده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران هم از جمله این کشورها است که به تدوین مقررات جدید در حمایت از کودک پرداخته است. هرچند تحقیقات زیادی در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله با عنوان ادبیات کودک و نوجوان در ایران در حال انجام‌شدن است، اما تحقیقی در زمینه کودک و نوجوان با رویکرد اسلامی و قرآنی و مضامین تربیتی آن ملاحظه نمی‌شود. بنا به گفته مقام معظم رهبری و ابلاغ سیاست‌های کلان کشوری جهت انجام طرح‌ها و پژوهش‌هایی در زمینه علوم بومی و دینی و اسلامی و در راستای هویت‌بخشیدن به نظام و فرهنگ اسلامی و ترسیم چشم‌انداز شخصیت دینی با رویکرد علمی، به نظر می‌رسد دوره کودکی و نوجوانی از جمله حوزه‌هایی است که قابلیت پرورش ایده‌های نو به شکل جدید و مستقل در فرهنگ اسلامی را داشته باشد.

References

1. Beheshti A. Child Education in Contemporary World. Qom: Office of Propagation of Qom Seminary; 2007. p.6.
2. Rashidpur M. Child Education from the Point of View of Islam. Tehran: Kaba Press; 2014. p.105.
3. Karimi A. Lost Wisdoms in Education. 7th ed. Tehran: Abed Press; 2011. p.12.
4. Jazri M. Al-Nihaya fi Ghrib al-Athar va al-Hadith. Qom: Esmaeilian Press; 1997. p.345.
5. Shariatmadari A. Islamic Education. Qom: Sepehr; 2000. p.13.
6. Reyshahri M. Mizan al-Hikmah. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute; 2007. Vol.13 p.259.
7. Baqeri KH. Revision of Islamic Education. Tehran: Madreseh; 2006. p.17.
8. Holy Quran. Shura: 49-50.
9. Labbaf F. Child Rights from the Perspective of Quran and Prophetic Traditions. Tehran: Zohd Press; 2007. p.8-10.
10. Yahyaei F. Process of Transition and Impediments of Development of Democracy in Iran. Tabriz: Author; 2001. p.36-52.
11. Abbasi Sarmadi M, Zangi Ahromi A. A Study of Age of Child and Its Legal Effects from the Perspective of International Documents. *Journal of Jurisprudence and Family Law, Nedaye Sadeq* 2015; 20(36): 21-32.
12. Safaei H. An Outline of Family Law. Tehran: Mizan; 2004. p.330.
13. Peyvandi GH. Child Rights. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought; 2011. p.75-96.
14. Amiri M. A Study of Conceptual Framework of Educational Rights of Child. *Journal of Axiology in Education* 2016; 1(1): 196-207.
15. Ebadi SH. Child Rights. Tehran: Kanoon; 1996. p.177.
16. Holy Quran. Surah Al Shura: 9.
17. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. 2nd ed. Tehran: Islamyah; 1984. p.2-3.
18. Mir Sepasi A. Reflection on Iranian Modernity. Tehran: Tarh-e No; 2005. p.239.
19. Habibi T. A Criticism of Convention of Child Rights. *Strategic Studies of Women* 2002; 4(16): 14-21.
20. Khandan A. Innate perceptions in the works of Shahid Motahari, Avicenna, Descartes, Locke and Chomsky. 1st ed. Qom: Taha Press; 2008. p.132-134.
21. Mansur M, Dadsetan P. Genetic Psychology. Tehran: Zharf Press; 1995. Vol.2 p.104.
22. Rahnema A. Developmental Psychology from the Point of View of Islamic Sources. Cooperation Office of Hawzah and University. Tehran: SAMT; 2015. Vol.2 p.25.
23. Anvari H. Sokhan Dictionary. Tehran: Sokhan Press; 2002. Vol.77 p.65.
24. Holy Quran. Furqan: 74.